



۲۰۱۶/۱۲/۰۶



استاد نگارگر

منبع: فیسبوک

بم گذاری های انتحاری حرام است

من دوسال پیش نوشته بودم که مثله کردن مُردگان در اسلام حرام است اما در جهان ما که غرق تعصب و کج اندیشی است متأسفانه گوش شنوا وجود ندارد و من اینک باز این نگارش خود را در این صفحه می گذارم و رسا تر فریاد می زنم که بم گذاری های انتحاری حرام است و هرکس که بدان می پردازد برضدِ رحمانیتِ خدا (ج) عمل می کند. خدا مردم را برای این مقصود نیافرید که در کارزار زندگی به جان هم بیفتند و خلعت هستی را از همدیگر بازگیرند. فاعتبروا یا اولی الابصار. نگارگر

نورِ جان در ظلمت آبادِ بدن گم کرده ام آه ازین یوسف که من در پیرهن گم کرده ام
(بیدل)

اسلام به طور یک کل نوعی فلسفه اخلاق است که دیو سرکش درون را با پرورش اراده دینی رام می سازد و پیش از دیگران و پیش از دیگران ما را بر خود یعنی نفس امرکننده به بدی مسلط میسازد. من وقتی این ادعا را میکنم حضرت بلال بن رباح مؤذن خوش آواز پیامبر اکرم (ص) پیش چشم می ایستد. همان بلال که نخستین فریادِ الله اکبر را از فراز مسجد نبوی بلند کرد ولی مدتی پیش از این اذان ملکوتی او را می بینم که بر روی ریگ های داغ بیابان مکه او را به پُشت خوابانده و بر سینه اش تخته سنگی نهاده اند و از او میخواهند که به وجود دو خدا یعنی لات و عزری اعتراف کند. او را شکنجه میکنند ولی او با (احد، احد) گفتن این شکنجه ها را بر خود همواری میسازد. اسلام محمد (ص) را این اراده ها بلند آوازه ساخت. اما وقتی که استبداد و جاه طلبی های مستبدان مانند کرمی در پیکر این درخت نیرومند رخنه کرد آن گوهر گرانبهای تکمیل مکارم اخلاق را که رسول مقبول (ص) هدف بعثت خود خوانده بود از آن باز گرفتند و بدین ترتیب بود که اعمال و عبادات هدف اصلی خود را از دست دادند و به وسایل بخشودن گناه بدل شدند و تلقی همین شد که هر چه دلت میخواهد انجام بده ولی از نماز غافل مشو که این صابون چرک گناه را پاک می کند. استبدادی که بر جهان اسلام مستولی شد به طور خاص آنگاه که معاویه برای فرزند ناخلف خود یزید با توسل به حيله بیعت گرفت نزد مردم به آسانی قابل قبول نبود. مسلمانان که سلطنت را بدعت تقلید شده از روم و پارس می دیدند بدان تمکین نمی کردند ولی استبداد با زور و نیرنگ کار خودش را کرد و بیعت را که امری بسیار جدی بود و خلافت بدون بیعت برای مسلمانان قابل پذیرش نبود با احیای حس قومیت و برانگیختن سیاست برتری عرب بر مردم قبولاند و آن مرتبتی را که خلافت توأم با بیعت داشت از آن باز گرفت و به قول حافظ مسلمانان را به هفتاد و دو گروه تقسیم کرد که حق در جدال شان گم شد و حافظ را واداشت که بگوید:

جنگِ هفتاد و دو ملت همه را عذر بنه چون ندیدند حقیقت ره افسانه زدند
(حافظ)

آن حقیقت را که جدال های فرقه ای از مسلمانان ربوده بود هر کدام در فکر گروه خود می دید و برای قبولاندنش به زور متوسل می شد. و اما اینکه گفتیم هدف اصلی بعثت پیامبر اکرم (ص) تکمیل مکارم اخلاق است از این جا می گویم که در اسلام هدایت عملیه مرحله به مرحله و گام به گام است. دین که خداوند (ج) آن را با بعثت پیامبر اسلام کامل ساخت گام های تدریجی برای متعادل ساختن ذهنیت بشر است. خدا (ج) و پیامبر (ص) هر دو انسان را از مبالغه در دین بر حذر میدارند. مبالغه در دین به اساس کلام الله دو وجه متباز دارد:

- ۱- مبالغه در شأن پیامبران و آنان را به مقام الوهیت رساندن (حضرات عزیز و عیسی را خدا یا فرزند خدا خواندن).
- ۲- مبالغه در باره علمای دین و حرف آنان را به جای امر خدا (ج) و رسولش (ص) نشانیدن و همچنان ثروت اندوزی های روحانیون از جیب مردم چنانکه کلام الله به زر و سیم اندوزی روحانیون مسیحی و یهودی اشاره می کند. و اما از اینها که بگذریم آیه ۷۰ اسراء یعنی (ولقد کرنا بنی آدم...) حکم عام دارد یعنی خداوند بنی آدم را کرامت بخشید و این کرامت به تمام انسانها یعنی مسلمان، کافر، زن؛ مرد، دیندار و بیبدین همه تعلق دارد و این کرامت از هیچ انسان حتی اگر مجرم باشد قابل انتزاع نیست و بنابر این توهین و تحقیر انسان نقض همین کرامت است و این کرامت

ایجاب می کند که میت انسان را مثله ننمایند ولی بم گذاری های انتحاری بدون مثله کردن اشخاص ممکن نیست و بنابر این برخلاف قرآن کریم است.

در جنگ اُخْد هنگامیکه هند همسر ابوسفیان نعش عموی پیامبر یعنی حضرت حمزه را مثله کرده بود پیامبر اکرم(ص) گفته بود که ده تن از کفار قریش را به جای عم خود مثله خواهد کرد اما کلام خدا او را از این امر باز داشت. آیه ۱۳۳ و ۱۳۴ آل عمران می گوید که "فرو خورندگان خشم و عفو کنندگان بر مردم و خدا نیکوکاران را دوست دارد." در این آیه مبارکه نیز لفظ (ناس) که در برگیر کافر و مسلمان هر دو میباشد آمده است بنابراین عفو شامل حال غیر مسلمان نیز شده می تواند.

باز هم مثل اینکه از حد معمول خود بیشتر نوشتیم. دامن این بحث را در همین جا فرا می چینم و در فرصتی دیگر با استناد بر برخی از آیات دیگر کلام الله و تعامل عصر رسول کریم(ص) میخوام ثابت کنم که بم گذاری های انتحاری هیچ وجه مشترک با اسلام ندارد و آنانی که این کار را استشهاد میخوانند اشتباه کرده اند زیرا که استشهاد طلب شهادت برای خود شخص در برخی حالات بسیار استثنایی است ولی گشتن بی گناهان (چه مسلمان و چه غیر مسلمان) شامل استشهاد نمی شود. باز هم این صحبت را دنبال خواهم کرد. یار زنده صحبت باقی تا صحبت آینده همه را به خدای کریم می سپارم. واللہ اعلم بالصواب ۵ دسمبر ۲۰۱۳ بر منگهم نگارگر

پایان

د پانو شمیره: له ۲ تر ۲

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته راښوولې. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنی د لیکنیزې ښې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولئ